

بررسی دسترسی به بازار محصولات منتخب کشاورزی ایران در چارچوب ضوابط سازمان تجارت جهانی

اسماعیل فلاحي، دکتر صادق خلیلیان، میرعبدالله حسینی و حامد نویدی*

چکیده

بخش دسترسی به بازار، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های موافقتنامه‌ی کشاورزی سازمان تجارت جهانی به‌شمار می‌رود. قاعده‌ی جدید دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، "فقط تعرفه" است که در مطالعه‌ی حاضر، به بررسی دسترسی به بازار محصولات منتخب کشاورزی ایران طی دوره‌های ۸۰-۱۳۶۸ و ۸۸-۱۳۸۱ پرداخته شده است. بدین منظور، موانع غیرتعرفه‌ای به‌کاررفته در سیاست تجاری واردات محصولات کشاورزی در دو حوزه‌ی موانع تجاری غیرتعرفه‌ای حمایتی و غیرحمایتی شناسایی شده، آن‌گاه معادل تعرفه‌ای برای ۱۷ محصول منتخب از محصولات کشاورزی در دوره‌های مورد نظر، محاسبه و مقایسه گردیده است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش گویای این است که معادل تعرفه‌ای اغلب محصولات کشاورزی طی دوره‌ی ۸۰-۱۳۶۸، بسیار نازل و حتی منفی بوده و برای بعضی محصولات، مالیات پنهان قابل ملاحظه‌ای نیز اعمال شده است که این امر خود حاکی از سیاست تجاری غیرحمایتی دولت از محصولات کشاورزی طی این دوره بوده است. از طرف دیگر، در دوره‌ی زمانی ۸۸-۱۳۸۱، معادل تعرفه‌ای محصولات استراتژیک و نیز محصولات مهم سبب مصرفی خانوار مانند گندم، جو، ذرت، برنج، عدس، سیب‌زمینی، گوشت مرغ و گوشت گاو، مثبت گردیده که نشانگر حمایت دولت از این محصولات می‌باشد. در نهایت پیشنهاد می‌گردد حمایت از بخش کشاورزی از طریق ابزارهای متعدد آلترناتیو - به جای توسل به یک یا چند ابزار خاص - صورت پذیرد.

طبقه‌بندی JEL: F13, Q17

واژه‌های کلیدی: ایران، دسترسی به بازار، سازمان تجارت جهانی، کشاورزی، موافقتنامه‌ی کشاورزی

مقدمه

موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۱، به منظور تشویق آزادسازی تجاری، بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. اعضای مؤسس، عمدتاً (اما نه منحصرأ) کشورهای توسعه یافته‌ی پیروز جنگ بودند. و در طی زمان، تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه به همراه کشورهای ثروتمندی که موفقیت کمتری در جنگ جهانی دوم داشتند، به این سازمان پیوستند (رُز، ۲۰۰۴).

* به ترتیب دانشجوی دکتری گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس (مسئول مکاتبات)، دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشگر مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

E-Mail: esmaeilfallahi@yahoo.com

1 - GATT: General Agreement on Tariff and Trade

برای بیش از ۵۰ سال، گات و اکنون سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱، آزادسازی تجاری چندجانبه را به طور موفقیت‌آمیز، مورد تشویق قرار داده است. این آزادسازی، از طریق مجموعه‌ای از مذاکرات بین کشورهای عضو، انجام گرفته است و یکی از نقش‌های مهم گات و WTO، تدارک میدان مذاکره‌ای پیوسته برای این منظور بوده است (بگول و استایگر، ۲۰۰۵). البته باید توجه داشت که در عین حال که پیوندهایی بین گات و WTO وجود دارد، ولی نمی‌توان از WTO به عنوان گات سابق یاد نمود، زیرا تفاوت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی زیادی بین گات و WTO وجود دارد (اکبریان، ۱۳۸۱).

دوره‌ای که از اواسط ۱۹۵۰ شروع شده بود، دوره‌ی رشد چشمگیر در تجارت جهانی و در دوران گشایش اقتصادها بود. بر اساس داده‌های آماری در دسترس، طی این دوره از سال ۱۹۶۵، تجارت جهانی در تمامی سال‌ها - به جز معدودی سال‌های مصادف با افت ادواری - با سرعت بیش‌تری نسبت به درآمد جهانی رشد کرد. در دهه‌ی ۱۹۹۰، تجارت جهانی به مراتب بیش‌تر از درآمد جهانی رشد کرد و در کل دوره، رشد تجارت، دو برابر رشد درآمد بوده است. این رشد سریع و گشایش در اقتصادهای جهانی، بازتابی از چند عامل، اعم از کاهش موانع و محدودیت‌های تجاری، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات است (فرانسیس و یتز، ۱۹۹۹؛ دیردورف، ۲۰۰۰).

تجارت به مفهوم عام از دیرباز به عنوان موتور رشد و توسعه‌ی اقتصادی مطرح بوده و تجارت محصولات کشاورزی بنا به دلایل خاصی همچون استراتژیک بودن این محصولات متناسب با رشد تجارت جهانی اهمیت روزافزونی یافته است. امروزه تفاوت‌های اساسی موجود در نوسان‌های دور تجاری در بین کشورها، به طور سیستماتیک به سهم کشاورزی در اقتصاد مربوط می‌شود (دا-روچا و رستاکیا، ۲۰۰۶). و نقش چندوظیفه‌ای کشاورزی به عنوان تولیدکننده‌ی کالاهای اجتماعی، علاوه بر تولید غذا و فیبر، در مفاد مذاکرات آزادسازی بازار جهانی برای غذا و به طور کلی در بحث‌های مربوط به بازسازی بخش کشاورزی مورد تأکید قرار گرفته است (داگستاد و همکاران، ۲۰۰۶).

آزادسازی، فراملی کردن عمومی کشاورزی را هم از جنبه‌ی شرایط نهادی - از طریق کنار گذاشتن ساختارهای تنظیمی دولت که از بخش کشاورزی حمایت می‌کند - و هم از جنبه‌ی شرایط انتقال سرمایه‌ی غذا - کشاورزی - که توسط فرصت‌های بهتر به کارگیری منابع جهان و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توضیح داده می‌شود - نشان می‌دهد (یوفکس، ۱۹۹۳).

با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه در اجرای اصول WTO، ملاحظه‌ی تعهدات خاص مانند چالش‌هایی که برخی کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند و پی‌آمدهای ناخواسته‌ی مربوط به اصول که نوعاً در هنگام مذاکرات دسترسی به WTO وجود دارد، دارای اهمیت است (هندرسن و همکاران، ۲۰۰۵).

عضویت در سازمان تجارت جهانی، پیش‌فرض لازم برای پیوستن به جهانی‌شدن است؛ اما کشورهایی که هنوز به عضویت این سازمان در نیامده‌اند، باید با تأمل و دقت کافی برای عضویت، تصمیم‌گیری کنند، زیرا با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر روابط بین‌الملل، دیگر کسب تجربه و انتخاب مبتنی بر آزمون و خطا، مقدور نیست.

لیتل و همکاران در سال ۱۹۷۰ و بالاسا در سال ۱۹۷۱ به بررسی جهت‌گیری تجاری و عملکرد اقتصادی چند کشور در حال توسعه پرداخته‌اند. در مطالعات متعدد آن‌ها در باب سیاست‌های تجاری، تلاش شده است شیوه‌های تأثیر این سیاست‌ها بر ساختار کلی اقتصاد، مورد بررسی قرار گیرد.

1 - World Trade Organization

حداد (۱۳۷۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی پیوستن ایران به گات و اثرات آن در بخش کشاورزی" با در نظر گرفتن چند محصول عمده‌ی کشاورزی نشان می‌دهد که در شرایط حذف سوبسید نهاده‌ها و پرداخت قیمت محصول بر اساس قیمت‌های جهانی، هم درآمد و هم هزینه‌های تولید این محصولات افزایش می‌یابد اما در مجموع، ما به‌التفاوت هزینه و درآمد به نفع تولید کننده افزایش می‌یابد.

نجفی (۱۳۷۵) در مطالعه‌ی خود بیان می‌دارد که آزادسازی بازرگانی جهانی محصولات کشاورزی و کاهش سوبسیدها براساس پیش‌بینی‌های موجود، موجب کاهش مازاد تولیدات کشاورزی در کشورهای پیشرفته و در نتیجه کاهش محصول و افزایش قیمت در بازار جهانی است. این روند به سود کشورهای صادرکننده‌ی محصولات کشاورزی و نیز کشورهای صادرکننده‌ی این محصولات در جهان سوم است.

سازمان خوار و بار جهانی (FAO) (۱۳۷۶)، تأثیر دور اروگوئه را بر کشاورزی مورد بررسی قرار داده است. طبق برآوردهای انجام شده، اثرات دور اروگوئه بر ارزش تجاری مثبت بوده و حجم تجارت و قیمت‌ها را نیز اندکی افزایش می‌دهد. اما این موارد تأثیر ناشی از تقلیل رشد واردات در بازارهای کشورهای عمده توسعه یافته را دگرگون نخواهد کرد. در مورد کشورهای در حال توسعه انتظار می‌رود که مجموع درآمدهای صادراتی کشاورزی آنها همراه با رشد واردات ادامه یابد.

محمّدقلی‌نیا و مسائلی (۱۳۷۸) در مطالعه‌ی خود بیان کردند که در صورت عضو شدن ایران در سازمان تجارت جهانی، قیمت واردات محصولات کشاورزی بالا رفته که این امر از یک سو تحمیلی بر مصرف کننده و از سوی دیگر مشوقی برای تولید است. همچنین کشاورزی نیاز به تجدید ساختار اساسی پیدا کرده و باید تولید تجاری جایگزین نظام کنونی شود. تجدید ساختار تولید در کشاورزی، تغییر در شیوه‌ی مالکیت، به کارگیری ماشین‌افزارها و ادوات کشاورزی مناسب‌تر و بهره‌مندی بیش‌تر از علم و فن آوری در زمینه‌های مختلف را طلب می‌کند.

اسدی (۱۳۷۹)، در مطالعه‌ای، تأثیر عضویت ایران را در سازمان تجارت جهانی بر صادرات محصولات صنایع غذایی ایران مورد بررسی قرار داده است. وی تأثیر سه عامل تعدیل موانع غیر تعرفه‌ای، بهبود وضعیت ماشین‌آلات مورد استفاده در صنایع غذایی ایران و سیاست‌های تشویق صادرات دولت را بعد از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بر صادرات محصولات صنایع غذایی ایران از طریق تهیه‌ی پرسش‌نامه و آزمون تی-آستیودنت، مورد بررسی قرار داده است. وی نتیجه می‌گیرد که تأثیر عوامل سه‌گانه‌ی مذکور بر بهبود صادرات محصولات صنایع غذایی ایران در وضعیت بعد از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی در مقایسه با وضعیت قبل از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، بیش‌تر است.

کمیجانی و همکاران (۱۳۸۰ ب) در مطالعه‌ی خود، بخش دسترسی به بازار موافقنامه‌ی دور اروگوئه را در مورد کشاورزی ایران مورد توجه قرار دادند و پس از شناسایی موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر محصولات منتخب کشاورزی ایران، معادل تعرفه‌ای آن را محاسبه نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که معادل تعرفه‌ای موانع مورد استفاده در نظام تجارت خارجی محصولات منتخب (به رغم تعدد موارد آن) منفی بوده و لذا این موانع در جهت حمایت از تولید داخلی عمل نکرده است.

فریادرس و مقدسی (۱۳۸۳)، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای محصولات کشاورزی مشمول موافقتنامه‌ی کشاورزی سازمان تجارت جهانی را طی دوره‌ی ۱۳۶۱-۱۳۸۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که به رغم سطح بالای تعرفه‌ی محصولات کشاورزی، این ابزار قادر به حمایت مؤثر از تولیدات داخلی نبوده است. از دیگر نتایج این مطالعه می‌توان به اتکای رژیم تعرفه‌ای به تصمیمات کوتاه مدت سالانه، استفاده‌ی نامناسب ابزارهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در کنار یکدیگر، شکاف زیاد بین تعرفه‌ی اسمی و وزنی و تک ابزاری و انعطاف‌ناپذیر بودن نظام تعرفه‌ی بخش کشاورزی اشاره کرد.

موافقتنامه‌ی کشاورزی مصوب در دور اروگوئه، شامل سه قانون و تعهد جدید در سه ناحیه‌ی کلیدی حمایت داخلی، یارانه‌ی صادراتی و دسترسی به بازار می‌باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی بخش دسترسی به بازار موافقتنامه‌ی کشاورزی سازمان تجارت جهانی - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های این موافقتنامه - در مورد محصولات منتخب کشاورزی ایران طی دوره‌های ۸۰-۱۳۶۸ و ۸۸-۱۳۸۱ می‌باشد.

موقعیت ایران در رقابت بین‌المللی

شاخص رقابت، چگونگی توانایی یک کشور را در ایجاد ثروت بیش‌تر برای مردم خود نسبت به رقبایش در بازارهای جهانی مشخص می‌کند. هفت عامل؛ قدرت اقتصاد داخلی (درجه‌ی رقابت در اقتصاد)، بین‌المللی شدن (مقیاسی که در آن مشخص می‌شود یک ملت تا چه حد در سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی مشارکت می‌جوید)، دولت (معیاری که سیاست‌های دولت گرایش به رقابتی بودن دارند)، مالیه (عملکرد بازارهای سرمایه و کیفیت خدمات مالی را بیان می‌کند)، امور زیربنایی (میزانی که منابع و سیستم‌ها برای برآورده ساختن نیازهای فعالیت اقتصادی کفایت می‌کند)، علم و فناوری (ظرفیت ملی و فناوری را نشان می‌دهد) و بالاخره عامل مردم (که بیان‌کننده‌ی صلاحیت‌های منابع است) در ایجاد ثروت یک کشور دخالت دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۴).

در بررسی‌ای که بنیاد هری تیچ وابسته به مجله‌ی وال‌استریت انجام داده است، ۱۰ شاخص به‌عنوان معیارهای آزادی اقتصادی مدنظر قرار گرفته است. محورهای ده‌گانه‌ی مورد نظر بنیاد هری تیچ در ارزیابی اقتصادی کشورها، شامل سیاست بازرگانی، بار مالی دولت، دخالت دولت، سیاست پولی، سرمایه‌گذاری خارجی، بانکی و مالی، دستمزد و قیمت، حق مالکیت، مقررات و بازار سیاه است. در این بررسی که برای کشورهای مختلف جهان صورت گرفته، امتیازات از ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده است. امتیاز ۱، بهترین وضعیت یا کم‌ترین میزان دخالت دولت در امور اقتصادی است و امتیاز ۵، بدترین وضعیت یا بیش‌ترین دخالت دولت در امور اقتصادی را منعکس می‌کند (<http://www.heritage.org>).

جدول ۱، امتیاز ایران را برای هر یک از محورهای ده‌گانه در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ نشان می‌دهد. ستون ماقبل آخر جدول، امتیاز کلی ایران را - که میانگین محورهای ده‌گانه‌ی یاد شده می‌باشد - ارائه می‌کند. ارقام این ستون گرچه بیانگر بسته بودن اقتصاد ایران است ولی چنانچه ملاحظه می‌شود از سال ۲۰۰۱ به بعد روند رو به بهبودی را نشان می‌دهد. این امر عمدتاً بدان سبب است که اصلاحات اقتصادی و سیاسی در سال‌های اخیر، بیش‌تر صورت پذیرفته است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)، دولت توانست نظام یکسان‌سازی نرخ ارز را برقرار سازد و بانک مرکزی نیز برای نخستین بار پس از انقلاب مجوز اولین بانک خصوصی را صادر نمود. علاوه بر این، امتیاز سیاست بازرگانی و بار مالی دولت و تا حدودی امتیاز سیاست پولی و سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود یافته است. به هر حال همان‌گونه که از ستون آخر جدول ۱ برمی‌آید وضعیت ایران در سطح بین‌المللی رضایت‌بخش نبوده و انجام اصلاحات بنیادی تجاری، ضروری می‌نماید.

موافقتنامه‌ی کشاورزی سازمان تجارت جهانی

گات اولیه، تجارت کشاورزی را در بر می‌گرفت، اما کمبودهایی داشت. برای مثال به کشورها اجازه می‌داد تا برخی تدابیر غیرتعرفه‌ای مانند سهمیه‌بندی واردات را به کار گیرند یا به پرداخت یارانه اقدام کنند. در نتیجه تجارت کشاورزی شدیداً با اختلالاتی همراه بود، خصوصاً این که استفاده از یارانه برای محصولات صنعتی اجازه داده نشده بود (سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳).



در سند موافقتنامه‌ی مربوط به دور اروگوئه، برای نخستین بار بخش کشاورزی در چارچوب قوانین تجاری گات گنجانیده شد (محمدقلی‌نیا و مسائلی، ۱۳۷۸).

جدول (۱) - موقعیت ایران در رقابت بین‌المللی بر اساس محورهای ده‌گانه‌ی بنیاد هری تیچ

رتبه	امتیاز	بازار سیاه	مقررات	حق مالکیت	دستمزد و قیمت	بانکی و مالی	سرمایه- گذاری خارجی	سیاست پولی	دخالت دولت	بار مالی دولت	سیاست بازرگانی	شرح سال
۱۳۸ (۱۴۲)*	۴/۷۹	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴/۹	۵	۱۹۹۶
۱۴۶ (۱۵۰)	۴/۸۰	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱۹۹۷
۱۵۲ (۱۵۶)	۴/۷۶	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴/۶	۵	۱۹۹۸
۱۵۲ (۱۶۱)	۴/۵۶	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۳	۴/۶	۵	۱۹۹۹
۱۵۵ (۱۶۱)	۴/۶۸۷۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۴	۴/۸۷۵	۵	۲۰۰۰
۱۵۱ (۱۵۵)	۴/۸۳۷۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴/۳۷۵	۵	۲۰۰۱
۱۵۲ (۱۵۶)	۴/۶۳	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۴/۵	۴/۸	۵	۲۰۰۲
۱۵۰ (۱۵۶)	۴/۳۰	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۳	۳	۲۰۰۳
۱۴۸ (۱۵۵)	۴/۲۶	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۳/۶	۲	۲۰۰۴
۱۴۸ (۱۵۵)	۴/۱۶	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۳/۶	۲	۲۰۰۵

مأخذ: نتایج حاصل از پژوهش بر مبنای داده‌های آماری سری زمانی برگرفته از: <http://www.heritage.org>
*: اعداد داخل پرانتز، تعداد کشورهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

این که پارامترهای اصلاح سیاست بلندمدت کشاورزی به صورت بنیادی توسط موافقتنامه‌ی کشاورزی تغییر یافت، به‌طور گسترده‌ای مورد موافقت بوده (پوتر و بارنی، ۲۰۰۲) و این موافقتنامه در طرح بنیانی محکم برای تقویت نظم چندجانبه در تجارت کشاورزی، موفق بوده است (آتوکورالا، ۲۰۰۰).

این موافقتنامه را می‌توان یکی از مهم‌ترین موافقتنامه‌های مهم امضا شده در دور اروگوئه دانست و نخستین گام به سمت نظم، رقابت منصفانه و اختلال کم‌تر در این بخش بود. اجرای آن بیش از ۶ سال به طول انجامید (البته برای کشورهای درحال توسعه تا ۱۰ سال اجرا شد) که از سال ۱۹۹۵ شروع شد. موافقتنامه‌ی دور اروگوئه تعهدی را شامل می‌شد که اصلاحات از طریق مذاکرات جدید تداوم یابد. این مذاکرات در سال ۲۰۰۰ بنا به درخواست مقرر در موافقتنامه‌ی کشاورزی آغاز شد (سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳). بعد از آن و در دور دوحه، هدف کلی مذاکرات در مورد کشاورزی، ایجاد سیستم بازاری منصفانه‌ای از طریق یک برنامه‌ی اصلاح بنیادی معرفی شد که شامل قواعد مستحکم و تعهدات ویژه برای اصلاح و جلوگیری از محدودیت‌ها و انحرافات در بازار جهانی کشاورزی می‌شد (مکلارن، ۲۰۰۴).

موافقتنامه‌ی کشاورزی مصوب در دور اروگوئه، شامل سه قانون و تعهد جدید در سه ناحیه‌ی کلیدی حمایت داخلی، یارانه‌ی صادراتی و دسترسی به بازار می‌باشد (آتوکورالا، ۲۰۰۰؛ پوتر و بارنی، ۲۰۰۲). که در مطالعه‌ی حاضر، بخش دسترسی به بازار، که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های این موافقتنامه به‌شمار می‌رود، در مورد کشاورزی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روش تحقیق

قاعده‌ی جدید دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، "فقط تعرفه" است. قبل از دور اروگوئه، برخی واردات کشاورزی از طریق سهمیه‌بندی و سایر تدابیر غیرتعرفه‌ای محدود شده بود. این‌ها با تعرفه‌هایی که کم و بیش همان سطح از حمایت را فراهم می‌کند جایگزین شده است. این مجموعه تعرفه‌بندی موارد بیشتری را در بر می‌گیرد. از یک سو تضمین می‌کند واردات مقدار کالاهایی که قبل از اجرای موافقتنامه وارد می‌شد ادامه یابد و از سوی دیگر اطمینان می‌دهد برخی مقادیر جدید با برخورداری از نرخ‌های گمرکی نه‌چندان کمرشکن وارد شوند. این امر از طریق سیستم "سهمیه‌های تعرفه‌ای" انجام می‌شود: نرخ‌های تعرفه‌ای پایین‌تر برای مقادیر خاص، نرخ‌های بالاتر (برخی مواقع بسیار بالاتر) برای مقادیر مازاد بر سهمیه (سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۳).

می‌توان گفت که هیلمن (۱۹۹۱) دقیق‌ترین تعریف را در زمینه‌ی مانع غیرتعرفه‌ای ارائه داده است؛ او هر اقدام دولتی را جز تعرفه که مستقیماً مانع ورود کالا به یک کشور شود، یا به صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند، مانع غیرتعرفه‌ای می‌داند. در این بخش، موانع غیرتعرفه‌ای به‌کاررفته در سیاست تجاری واردات محصولات کشاورزی در دو حوزه‌ی موانع تجاری غیرتعرفه‌ای حمایتی و غیرحمایتی شناسایی شده، آن‌گاه معادل تعرفه‌ای برای ۱۷ محصول منتخب از محصولات کشاورزی برای دوره‌های زمانی ۱۳۶۸-۸۰ و ۱۳۸۱-۸۸ محاسبه و نتایج حاصل، در جداول شماره‌ی ۲ و ۳ نشان داده شده است. فرمول ارائه شده برای تعیین معادل تعرفه‌ای عبارتست از تعیین تفاوت بین قیمت داخلی و قیمت جهانی. اما با این همه، تعرفه‌ای کردن - حداقل در عمل - نه شفاف است و نه آسان. چرا که امکان دسترسی به قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرجع خارجی وجود ندارد. کیفیت‌های متفاوت، شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی و دسته‌بندی کالا نیز این مشکل را مضاعف می‌سازد. برای مثال کالایی که وارد یک کشور می‌شود، دقیقاً همان کالایی نیست که در آن کشور تولید می‌شود. بنابراین یکی از راه‌حل‌های موجود برای ادامه‌ی کار آن است که به جای تفاوت بین قیمت محصول تولید شده در داخل با قیمت کالای وارداتی، تفاوت بین قیمت کالای وارداتی در داخل کشور و قیمت فاکتور آن را مورد بررسی قرار دهیم، ولی اگر نتوانیم قیمت کالای وارداتی را از قیمت کالای داخلی جدا کنیم، ناچاریم از تنها قیمت موجود استفاده کنیم. بر این مبنا می‌توان روش تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای را به شکل زیر فرموله نمود (کميجانی و همکاران، ۱۳۸۰ الف):

$$T_s = P_d - P_w \quad [1]$$

$$T_{ad} = [(P_d - P_w) / P_w] \times 100 \quad [2]$$

که در آن P_d : قیمت عمده فروشی محصول در داخل کشور، P_w : قیمت سیف به اضافه‌ی تعرفه یا قیمت فاکتور فروش خارجی به همراه تعرفه و هزینه‌ی حمل و نقل و بیمه که با توجه به نرخ ارز بر حسب پول داخلی بیان می‌شود؛ T_s : معادل تعرفه‌ی ویژه^۱ و T_{ad} : معادل تعرفه‌ی ارزشی^۲ می‌باشد. در فرآیند محاسبه‌ی معادل تعرفه‌ای ارزشی که در جداول ۲ و ۳ آورده شده است، از سه مولفه‌ی مهم استفاده شده است:

1 - Specific Tariff
2- Advalorem Tariff

۱- متوسط سالانه‌ی نرخ ارز بازار (دلار به ریال) ۲- قیمت عمده فروشی (ریال به کیلوگرم) ۳- قیمت سیف وارداتی (دلار به کیلوگرم)
شایان ذکر است که داده‌های مورد نیاز پژوهش، از منابع مختلف آماری مانند گمرک ج.ا.ا، بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، فائو و سایر منابع آماری تهیه شده است.

نتایج و بحث

مهم‌ترین نتایج گویای آن است که طی دوره‌ی مورد مطالعه، انحصار دولت در بازرگانی خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر واردات برخی از محصولات اساسی غذایی محسوب می‌شد، اقدامات اصلاحی در این خصوص نیز طی چند سال اخیر از طریق انحلال و ادغام STE^۱ها (مؤسسات تجاری دولتی) صورت پذیرفته است. برای ورود محصولات کشاورزی، مانع غیرتعرفه‌ای "سه‌میه‌بندی واردات" در قالب اخذ مجوزها از وزارتخانه‌های ذیربط همچنان اعمال می‌شود. البته طی سال‌های برنامه‌ی سوم توسعه از مجوزهای سه‌گانه و دوگانه کاسته شده اما اقدامات اصلاحی بعد از آن همچنان ناکافی می‌باشد. البته موانع غیرتعرفه‌ای از دو منظر حمایتی (نظیر واردات منوط به خرید داخلی، زمان ورود، واردات در مقابل صادرات، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت، بررسی قیمت، نوع بسته‌بندی، رفتار تبعیض‌آمیز، محل ورود و...) و غیرحمایتی (نظیر محدودیت کیفی، بهداشتی، قرنطینه‌ای، زیست‌محیطی، فنی و...) دسته‌بندی شده است.

نتایج حاصل از معادل تعرفه‌ای محصولات کشاورزی در جداول ۲ و ۳ ارائه گردیده است. این نتایج در دوره‌ی ۸۰-۱۳۶۸ گویای آن است که اولاً در سال ۱۳۸۰، معادل تعرفه‌ای اغلب محصولات (به استثنای برنج، شکر، عدس، چای، گوشت گاو، گوشت گوسفند و روغن سویا) بسیار نازل و حتی منفی است. در این میان، برای محصولاتی مانند جو، ذرت دانه‌ای، نخود، سیب‌زمینی و گوشت مرغ و پنیر، مالیات پنهان قابل ملاحظه‌ای نیز اعمال شده است. این نتایج در مورد میانگین سال‌های ۸۰-۱۳۶۸ نیز صادق بوده به طوری که معادل تعرفه‌ای برای عمده‌ی محصولات (به استثنای پیاز، چای و گوشت گوسفند) در بازه‌ی زمانی مورد نظر بسیار نازل یا منفی بوده است که این امر خود حکایت از سیاست تجاری غیرحمایتی کشور از محصولات کشاورزی دارد؛ ثانیاً با توجه به تعدد و تنوع موانع غیرتعرفه‌ای، استفاده‌ی مناسبی از کشاورزی صورت نگرفته است؛ به عبارتی انتظار بر این است که موانع غیرتعرفه‌ای به عنوان هزینه‌ی اضافی برای واردات آن محصولات باشد و حال آن‌که معادل تعرفه‌ای برای بسیاری از محصولات کشاورزی از نرخ تعرفه‌ی گمرکی اسمی اعمال شده بر آن محصولات کمتر بوده است. از طرف دیگر، در دوره‌ی زمانی ۸۸-۱۳۸۱ با حمایت از محصولات

جدول (۲) - معادل تعرفه‌ای ارزشی محصولات کشاورزی منتخب طی سال‌های ۸۰-۱۳۶۸

تفاوت دو معادل تعرفه‌ای	معادل تعرفه‌ای ارزشی (درصد)					شرح کالا
۱۳۶۸ و ۱۳۸۰	۱۳۸۰	۱۳۶۸-۸۰	حداکثر	حداقل	۱۳۶۸	
+۵۳/۷۸	-۲/۱۲	-۳۵/۴۵	-۲/۱۲	-۶۰/۱۱	-۵۵/۹	۱- گندم سخت
+۳۱/۵۱	-۱۹	-۴۶/۱۱	-۱۰	-۶۳/۲۱	-۵۰/۵۱	۲- جو
+۶/۴۱	-۱۷/۳۳	-۴۸/۶	-۱۷/۳۳	-۶۳/۴۶	-۲۳/۷۴	۳- دانه‌ی ذرت (دانه‌ای)
+۸۰/۱۷	۵۱/۲۲	-۹/۸	۵۵/۳۶	-۶۵/۴۵	-۲۸/۹۵	۴- برنج نیمه سفید
+۹۶/۳۶	۳۳/۸۷	-۲۵/۱۷	۳۵/۲۳	-۶۲/۴۹	-۶۲/۴۹	۵- شکر
+۵۳/۸	-۸/۵	-۲۵/۳	۶۰/۳۰	-۷۰/۵	-۶۲/۳	۶- نخود
+۷۴/۱	۲۶/۵	۱/۱	۶۸/۸	-۴۷/۶	-۴۷/۶	۷- عدس
+۵۷/۷۵	-۱	۲۰/۵	۱۱۵/۵	-۵۹/۵	-۵۸/۷۵	۸- پیاز
-۱۸/۷۶	-۴۹/۱۶	۴/۲۳	۱۶۵/۳۲	-۵۰/۵۶	-۳۰/۴	۹- سیب زمینی
+۸۲/۳۱	۸۶/۱۲	۵۵/۳۸	۱۸۰/۳۱	-۳۵/۵۹	۳/۸۱	۱۰- چای
+۵۴/۸	-۷/۸	-۳۵/۵	۲۹/۶	-۷۲/۸	-۶۲/۶	۱۱- گوشت مرغ
+۶۱/۵۵	۱۰/۳۵	-۱۴/۲۶	۲۰/۷	-۵۱/۲	-۵۱/۲	۱۲- گوشت گاو
+۱۲۸/۶۱	۸۰/۲۱	۲۲/۵	۸۰/۲۱	-۴۸/۴	-۴۸/۴	۱۳- گوشت گوسفند
+۳۴/۲۷	-۱۵/۲۳	-۳۵	-۱۰/۴۶	-۵۳/۱۱	-۴۹/۵	۱۴- پنیر و سایر مواد لبنی
+۵۰/۰۳	۳/۸	-۴۰/۶	۳/۸	-۷۳/۵	-۴۶/۲۳	۱۵- تخم مرغ
+۴۵/۷	۱۶/۶	-۲۰/۷۵	۳۲/۸	-۵۵/۸۵	-۲۹/۱	۱۶- روغن سویا
+۷۳/۵	۳/۲۱	-۳۸/۶۷	۱۰/۶۸	-۷۸/۴۳	-۷۰/۲۹	۱۷- روغن آفتاب گردان

مأخذ: یافته‌های پژوهش

استراتژیک و محصولاتی که نقش مهمی در سبد مصرفی خانوار دارند، مانند گندم، جو، ذرت، برنج، عدس، سیب زمینی، گوشت مرغ و گوشت گاو، معادل تعرفه‌ای مربوط به این گروه از محصولات مثبت شده که نشانگر حمایت از این گروه از محصولات بوده است. همچنین به طور کلی، طی دوره‌های زمانی مورد بحث، سیاست‌های تجاری منطقی‌تر شده و حمایت منطقی از محصولات کشاورزی فراهم آمده است، به عبارتی، در معادل‌های تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای برای اکثر قریب به اتفاق محصولات کشاورزی طی دوره‌های زمانی مورد نظر، بهبود چشمگیری مشاهده می‌شود که حکایت از حمایت‌گرایی تجاری مناسب‌تر [از طریق نظام ارزی تک نرخی، اصلاح مبنای تعرفه‌ی گمرکی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی)، کاستن از تعداد مجوزهای وارداتی و کالاهای ممنوع‌الورود و انحلال یا ادغام مؤسسات تجاری دولتی] دارد و در این بهبود، موارد زیر تأثیر مستقیم و مثبتی داشته‌اند: نخست این‌که قیمت عمده‌فروشی داخلی محصولات مورد بحث رو به افزایش گذاشته و متعاقب آن، معادل تعرفه‌ای برای واردات آن محصولات نیز افزایش یافته است و

دوم این که، رابطه‌ی معکوسی بین قیمت سیف وارداتی به دلار و معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن محصول وجود دارد؛ به عبارتی با کاهش قیمت سیف وارداتی، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن محصولات رو به بهبود گذاشته است.

جدول (۳) - معادل تعرفه‌ای ارزشی محصولات کشاورزی منتخب طی سال‌های ۸۸-۱۳۸۱*

تفاوت دو معادل تعرفه - ای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸	معادل تعرفه‌ای ارزشی (درصد)				شرح کالا	
	۱۳۸۸	۱۳۸۱-۸۸	حداکثر	حداقل		
+۲۲/۷۷	۵۵/۲۸	۲۸/۵۳	۵۵/۲۸	-۱۲/۶۷	۳۲/۵۰	۱- گندم سخت
+۷۷/۸۱	۷۲/۶۹	۱۹/۳۶	۷۲/۶۹	-۱۶/۵۷	-۵/۱۲	۲- جو
+۱۱/۹۶	۳۷/۹۶	۱۳/۶۶	۳۷/۹۶	-۲۳/۰۵	۲۶/۰۰	۳- دانه‌ی ذرت (دانه‌ای)
-۸۳/۴۳	-۴۳/۳۲	۳۸/۵۷	۱۷۳/۶۹	-۴۳/۳۲	۴۰/۱۱	۴- برنج نیمه سفید
—	—	-۳/۳۰	۲۰۹/۵۶	-۷۸/۳۶	—	۵- نخود
-۶/۰۳	-۵/۳۸	۱۰/۴۰	۳۷/۹۸	-۵/۳۸	۰/۶۵	۶- عدس
—	۶۴/۸۰	-۱۳/۲۱	۶۴/۸۰	-۸۲/۵۹	—	۷- پیاز
+۵/۳۷	۱۹/۵۹	۱۲/۱۱	۵۰/۷۶	-۳۳/۶۳	۱۴/۲۲	۸- سیب زمینی
+۰/۵۵	-۹۲/۰۱	-۹۲/۲۷	-۹۰/۶۷	-۹۵/۹۲	-۹۲/۵۷	۹- چای
—	—	۶۰/۸۹	۷۳/۱۲	۴۹/۷۷	۴۹/۷۷	۱۰- گوشت مرغ
-۱۲۹/۰۲	-۵۸/۶۰	۵۷/۸۶	۱۰۷/۴۰	-۵۸/۶۰	۷۰/۴۲	۱۱- گوشت گاو
+۳۵/۲۹	-۵۵/۲۱	-۷۹/۵۹	-۴۷/۴۷	-۹۶/۷۳	-۹۰/۵۰	۱۲- تخم مرغ

مأخذ: یافته‌های پژوهش

*: حذف پنج محصول از هفده محصول مورد مطالعه در جدول (۳) و نیز مواردی که با خط تیره (—) آورده شده، به دلیل عدم وجود واردات (یا واردات ناچیز) محصول و یا عدم وجود آمار مربوط است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر، بخش دسترسی به بازار، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های موافقتنامه‌ی کشاورزی سازمان تجارت جهانی که در دور اروگوئه به تصویب رسید، در مورد بخش کشاورزی ایران، مورد بررسی قرار داده شده است. مهم‌ترین نتایج این تحقیق حاکی از این است که اقتصاد ایران اگر چه در سال‌های اخیر در زمینه‌ی آزادسازی - به دلیل اصلاحات اقتصادی و سیاسی - روند رو به بهبودی داشته، اما وضعیت ایران در سطح بین‌المللی، رضایت‌بخش نمی‌باشد؛ لذا انجام اصلاحات بنیادی تجاری در زیربخش‌های مختلف اقتصادی و از جمله بخش کشاورزی ضروری می‌نماید. در این زمینه پیشنهاد می‌شود آن دسته از محصولات کشاورزی که در مقایسه با سایر محصولات از مزیت نسبی برخوردار بوده و توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را دارند، مورد شناسایی قرار گیرند.

همچنین انحصار دولت در بازرگانی خارجی، یکی از مهم‌ترین موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر واردات برخی از محصولات اساسی غذایی محسوب می‌شود. اقدامات اصلاحی در این خصوص نیز طی چند سال اخیر از طریق انحلال و ادغام STEها صورت گرفته است. برای ورود محصولات کشاورزی، مانع غیرتعرفه‌ای «سهمیه‌بندی واردات» در قالب اخذ مجوزها از وزارتخانه‌های ذیربط همچنان اعمال می‌شود. البته طی سال‌های برنامه‌ی سوم توسعه از مجوزهای سه‌گانه و دوگانه کاسته شده اما اقدامات اصلاحی همچنان ناکافی می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود دولت با شناسایی ابزارهای مناسب، از انحصار خود در بازرگانی خارجی بکاهد.

نتایج حاصل از محاسبه‌ی معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای نیز گویای این است که معادل تعرفه‌ای اغلب محصولات در دوره‌ی زمانی ۸۰-۱۳۶۸، بسیار نازل و حتی منفی بوده است. و برای بعضی محصولات، مالیات پنهان قابل ملاحظه‌ای نیز اعمال شده است که این امر خود حکایت از سیاست تجاری غیرحمایتی کشور از محصولات کشاورزی دارد. موانع غیرتعرفه‌ای موجود در ایران به جای این که نقش حمایتی از محصولات را ایفا نماید فقط مقرراتی هستند که عملاً بروکراسی تجارت خارجی کشور را تشدید کرده است. از طرف دیگر، در دوره‌ی زمانی ۸۸-۱۳۸۱، حمایت دولت از محصولات استراتژیک و نیز محصولات مهم سبد مصرفی خانوار مانند گندم، جو، ذرت، برنج، عدس، سیب‌زمینی، گوشت مرغ و گوشت گاو، باعث مثبت شدن معادل تعرفه‌ای این گروه از محصولات گردیده است. همچنین، به طور کلی، طی هر دو دوره‌ی زمانی مورد بحث، سیاست‌های تجاری منطقی‌تر شده و حمایت منطقی از محصولات کشاورزی فراهم آمده است، چرا که در معادل‌های تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای برای اکثر قریب به اتفاق محصولات کشاورزی طی دوره‌های زمانی مورد بحث، بهبود چشمگیری مشاهده می‌شود که حکایت از حمایت‌گرایی تجاری مناسب‌تر [از طریق نظام ارزی تک‌نرخ، اصلاح مبنای تعرفه‌ی گمرکی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی)، کاستن از تعداد مجوزهای وارداتی و کالاهای ممنوع‌الورود و انحلال یا ادغام مؤسسات تجاری دولتی] دارد.

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که صیانت از منافع بخش کشاورزی در دنیای امروز محدود به یک یا دو سیاست حمایتی نیست، بلکه ابزارهای مختلفی برای حمایت و حفاظت از بخش کشاورزی وجود دارد که رواج زیادی پیدا کرده‌اند، اما در بخش کشاورزی کشور ما چنین روندی کم‌تر قابل مشاهده است. در دنیای کنونی در کنار آزادسازی‌های تجاری، موضوع حفاظت‌ها مطرح شده و در قالب قوانین و اقدامات حفاظتی و ضد قیمت شکنی (دامپینگ) خود را نمایان کرده است. اما در عرصه‌ی داخلی، کم‌تر اقدامی در این زمینه‌ها صورت گرفته است. لذا پیشنهاد می‌گردد اقدامات حفاظتی و ضد قیمت شکنی به صورت جدی در بخش کشاورزی و در نظام تجاری کشور پیگیری شود. به علاوه، می‌توان حمایت از بخش کشاورزی را از طریق ابزارهای متعدد و متنوعی انجام داد تا اگر استفاده از یک ابزار حمایتی در جریان پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی، محدود یا ممنوع شد، امکان توسل به ابزارهای جایگزین وجود داشته باشد.

منابع

- اسدی ع. ا. (۱۳۷۹) بررسی تأثیر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صادرات محصولات صنایع غذایی ایران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- اکبریان ر. (۱۳۸۱) سازمان تجارت جهانی و الزامات آن بر اقتصاد ایران، پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۷.
- حداد م. (۱۳۷۳) بررسی پیوستن ایران به گات و اثرات آن در بخش کشاورزی، فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌ی ویژه‌ی گات.



حسینی م.ع.، ل. عاقلی، م.ه. سیدی، م. شاهمرادی، س. راسخی و م. زراعتی (۱۳۸۴) سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل‌های تعرفه‌ای در قالب ضوابط سازمان جهانی تجارت (WTO)، چاپ اول، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران. سازمان تجارت جهانی (۱۳۸۳) شناخت سازمان تجارت جهانی، چاپ اول، ترجمه: م. ج. ایروانی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

سازمان خوار و بار جهانی (۱۳۷۶) تأثیر دور اروگوئه بر کشاورزی، ترجمه: غ. حیدری، ج. نیازی، م. شاهمرادی و ه. سیدی، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

فریادرس و. ا. و ر. مقدسی (۱۳۸۳) بررسی نظام تعرفه‌ی بخش کشاورزی ایران طی دوره‌ی ۱۳۶۱-۱۳۸۲، فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌ی ۴۸.

کميجانی ا.، ا. گیلانپور، ک. نوری و ر. مقدسی (۱۳۸۰ الف) مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، وزارت کشاورزی مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی بخش اطلاعات و انتشارات، تهران.

کميجانی ا.، ر. مقدسی، ا. گیلانپور و ک. نوری (۱۳۸۰ ب) شناسایی موانع غیرتعرفه‌ای و محاسبه‌ی معادل تعرفه‌ای آن در بخش کشاورزی ایران، فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌ی ۳۵.

محمدقلی نیا ج. و م. مسائلی (۱۳۷۸) سازمان تجارت جهانی و کشاورزی ایران، فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌ی ۲۷.

نجفی ب. ا. (۱۳۷۵) سازمان بازرگانی جهانی: چالشی نو برای اقتصاد کشاورزی ایران، فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره‌ی ۱۳.

- Athukorala P. (2000) Agricultural trade policy reform in South Asia: the role of the Uruguay round and policy options for the future WTO agenda, *Journal of Asian Economics*, 11:169-193.
- Bagwell B. and R. W. Staiger (2005) Erratum to multilateral trade negotiations, bilateral opportunism and the rules of GATT/WTO, *Journal of International Economics*, 67:268-294.
- Ballassa B. (1971) The structure of protection in developing countries, Baltimore. John Hopkins U. Press.
- Da-Rocha J. M. and D. Restuccia (2006) The role of agriculture in aggregate business cycles, *Review of Economic Dynamics*, 9:455-482.
- Daugstad K., K. Rønningen, and B. Skar (2006) Agriculture as an upholder of cultural heritage? Conceptualizations and value judgements—A Norwegian perspective in international context, *Journal of Rural Studies*, 22:67-81.
- Deardorff A. (2000) International provision of trade services, trade and fragmentation, Policy Research Working Paper 2448, World Bank, Washington DC.
- Francis Ng. and A. Yeats (1999) Production sharing in East Asia: Who does what for whom, and why?. Policy Research Working Paper 2197, World Bank, Washington DC.
- Henderso A., I. Gentle, and E. Ball (2005) WTO principles and telecommunications in developing nations: challenges and consequences of accession, *Telecommunications Policy*, 29:205-221.
- Hillman J. S. (1991) Technical barriers to agricultural trade, Westview Press.
- <http://www.heritage.org>



- Little I., P. Scrowsky, and M. Scott (1970) *Industry and trade in some developing countries*, Oxford U. Press, London.
- MacLaren D. (2004) Agricultural Policy Reform in the WTO. *Agriculture, Ecosystems & Environment*, 104:684-685.
- Potter C. and J. Burney (2002) Agricultural multifunctionality in the WTO—legitimate non-trade concern or disguised protectionism?, *Journal of Rural Studies*, 18:35-47.
- Rose A. K. (2004) Do WTO members have more liberal trade policy?, *Journal of International Economics*, 63:209-235.
- Ufkes F. M. (1993) Trade liberalization, agro-food politics and the globalization of agriculture, *Political Geography*, 12:215-231.



The Study of Iran's Market Access for Selected Agricultural Products within the Framework of World Trade Organization Principles

Esmaeil Fallahi, Dr. Sadegh Khalilian, Mir Abdollah Hosseini, & Hamed Navidi*

Abstract

Market access is one of the most important parts in Agricultural Agreement of World Trade Organization. The new rule for market access of agricultural products is "tariff only". In this study, Iran's market access for selected agricultural products has been considered over the periods 1989-2001 and 2002-2009. For this purpose, non tariff barriers used in the trade policy of agricultural products imports have been identified in two areas of protective and non protective non tariff commercial barriers. Then, tariff equivalents have been calculated and compared for 17 selected agricultural products over the mentioned periods. The most important results show that the tariff equivalents for most of the agricultural products are very low and even negative over the period 1989-2001 and a substantial latent tax has been imposed for some products indicating government's non supportive commercial policy of agricultural products over this period. On the other hand, tariff equivalents of strategic products and of important consumption products such as wheat, barley, maize, rice, lentil, potato, chicken meat, and cattle meat have been positive over the period 2002-2009 showing the governmental protection of these products. Finally, it is suggested that the agricultural sector is protected through a variety of alternative tools instead of one or some specific tools.

JEL classification: Q17, F13

Keywords: Agricultural Agreement, Agriculture, Iran, Market Access, World Trade Organization

* Ph.D. Student of Agricultural Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), Associate Professor of Agricultural Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Researcher of Institute for Trade Studies and Research, Tehran, Iran, and Ms. C. Student of Agricultural Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
E-Mail: esmaeilfallahi@yahoo.com